



نماز

یکی از اعمال و تکالیفی که از طرف خداوند بر انسان واجب شده است نماز می باشد.

فهرست مندرجات

- ۱ - واژه شناسی نماز
- ۲ - نماز در ادیان گذشته
- ۳ - توجه ویژه خداوند به نماز
- ۴ - اهمیت نماز
- ۵ - سهل انگاری در نماز
- ۶ - پی‌آمد سنگین بی‌نمازی
- ۷ - معنای خشوع در نماز
- ۸ - محافظت بر نماز
- ۹ - حکمت و فلسفه نماز
 - ۹.۱ - نماز ذکرالله اکبر
 - ۹.۲ - پاک کننده گناهان
 - ۹.۳ - سدی در برابر گناهان
 - ۹.۴ - غفلت زدایی
 - ۹.۵ - کبر زدایی
 - ۹.۶ - پرورش فضائل اخلاقی
 - ۹.۷ - با ارزش کننده اعمال انسان
 - ۹.۸ - دعوت کننده به پاکسازی
 - ۹.۹ - عامل مؤثر ترک گناهان
 - ۹.۱۰ - تقویت کننده روح انضباط
 - ۹.۱۱ - بازداری از حرص و کم طاقتی
 - ۹.۱۲ - استقامت و بردباری
 - ۹.۱۳ - نظم و انضباط
- ۱۰ - پانویس
- ۱۱ - منابع

واژه شناسی نماز

"نماز" واژه قرآنی آن "صلاة" [۱] و جمع آن "صلوات" است، "صلاة" در اصل به معنای **دعاء** است که در بعضی از آیات قرآن به همین معنی آمده است. در آیاتی همچون: سوره توبه آیه ۹ [۲]، سوره احزاب آیه ۵۶ [۳] و سوره بقره آیه ۱۵۷ [۴]، وجه نامگذاری نماز به صلاة از باب اطلاق **جزء** به کل است یعنی نماز شامل دعاء هم هست.

نماز در ادیان گذشته

نماز از عباداتی است که هیچ شریعتی از آن خالی نبوده، هر چند که گونه‌های آن بر حسب شریعت‌های مختلف فرق داشته است. [۵] به دلیل اینکه **حضرت ابراهیم (علیه‌السلام)** برپاداری نماز را هم برای خودش و هم برای فرزندش از **خدای متعال** طلب نمود: «رب اجعلنی مقيم الصلاة و من ذریتی...»؛ [۶] پروردگارا! مرا به پا دارنده نماز قرار ده و از فرزنداتم (نیز)...» و **حضرت عیسی (علیه‌السلام)** در گهواره از آن سخن گفت: «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»؛ [۷] و تا زمانی که زنده‌ام مرا به نماز و زکات توصیه کرده است». جمله "و اوصانی بالصلاة و الزكاة..." اشاره به این است که در شریعت عیسی (علیه‌السلام) نماز و زکات تشریح شده است. [۸]

توجه ویژه خداوند به نماز

نماز در بین عبادات از امتیاز خاصی برخوردار است، **خدای سبحان** در آغاز دریافت **وحی حضرت موسی (علیه‌السلام)** ضمن اشاره به **معارف کلی دین**، نماز را انتخاب کرده و می‌فرماید: «...اقم الصلاة لذكرك»؛ [۹] ... نماز را برای یاد من بپا دار. از این آیه دو نکته روشن می‌شود: ۱) نماز اختصاص به شریعت **خاتم الانبیاء (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** ندارد. ۲) إقامة نماز باید برای یاد خدا باشد. [۱۰]

نماز یکی از بزرگترین عبادتی است که قرآن به آن دعوت می‌کند. هنگامی که **علی (علیه‌السلام)** با مشکلی برخورد می‌کرد به نماز برمی‌خاست و پس از نماز به دنبال حل مشکل به راه می‌افتاد و **آیه** را قرائت می‌فرمود. تکیه گاه درونی **انسان صبر** و تکیه گاه برونی نماز است. «یا ایها الذین امنوا استعینوا بالصبر و الصلوة ان الله مع الصابرين»؛ [۱۱] ای افراد با ایمان از **صبر و استقامت** و از نماز (در برابر حوادث سخت زندگی) کمک بگیرید. (همانا) خداوند با صابران است». در این آیه به دو اصل توصیه شده نخست مسأله‌ی خود یاری و اتکا به نفس که به عنوان صبر از آن یاد گردیده و دیگر اتکاء به خداوند که با نماز به آن اشاره شده

است.

این آیه دلالت دارد بر اینکه تشریح نماز لطفی است از جانب خداوند به بندگان خود که به آن وسیله بر انجام سایر **عبادات** توفیق حاصل کنند چنانکه فرمود: «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر» [۱۲۲] نماز از عمل قبیح و ناپسند انسان را باز می‌دارد». [۱۲۳]

اهمیت نماز

- نماز از واجبات الهی است: «إن الصلاة كانت على المؤمنین کتاباً موقوتاً؛ [۱۲۴] نماز، وظیفه ثابت و معین برای مؤمنان است.» «کتابت» **کتابه** است از **واجب** بودن و واجب کردن، پس طبق این آیه، نماز بر مؤمنان نوشته و واجبی است دارای وقت. [۱۲۵]
- بر پاداری نماز از صفات مؤمنان حقیقی است: [۱۲۶] [۱۲۷] [۱۲۸] «الذین یقیمون الصلاة و مما رزقناهم ینفقون؛ [۱۲۹] آنها که نماز را برپا میدارند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.»
- محافظة از نماز، نخستین نشانه عملی **تقوا** و **معاد** باوری است: «...و الذین یؤمنون بالآخرة یؤمنون به و هم علی صلاتهم یحافظون؛ [۲۰] ... آنها که به آخرت ایمان دارند و به آن (قرآن) ایمان می‌آورند و بر نمازهای خویش، مراقبت می‌کنند.» تا آنجایی که به پای بندی نماز در میدان **جنگ** تأکید شده است. [۲۱]
- نماز، نخستین نشانه حکومت صالحان در روی **زمین** است: «الذین إن مکناهم فی الارض أقاموا الصلاة...؛ [۲۲] کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیم، نماز را برپا میدارند...»
- نماز باز دارنده از زشتیها و بدیها: «...و أقم الصلاة إن الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر...؛ [۲۳] ... و نماز را بر پادار، که نماز (انسان) را از زشتیها و گناه باز میدارد...» سیاق **آیات** شاهد بر این است که منظور از این باز داری، باز داری طبیعت نماز از فحشاء و منکر است. البته باز داری آن به نحو **اقتضاء** است نه علیت نامه، که هر کس نماز خواند، دیگر نتواند گناه کند یعنی نمازی که با رعایت **آداب** و شرائط مطلوب شرع، انجام یافته قدرت باز دارندگی از گناه را دارد، به شرطی که خود شخص **اراده** بر انجام گناه نداشته باشد. [۲۴]

سهل انگاری در نماز

«فویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون؛ [۲۵] پس وای بر نمازگزارانی که در نماز خود سهل نگاری می‌کنند.» یعنی آنهایی که از نمازشان غافلند، اهمتامی به امر نماز ندارند و از فوت شدنش باکی ندارند؛ چه اینکه به کلی فوت شود و چه اینکه بعضی وقتها، و یا اینکه وقت فضیلتش از دست برود و چه اینکه **ارکان** و شرائطش و **احکام** و مسائلسش را ندانسته، نمازی باطل بخوانند. [۲۶]

از **امام صادق (علیه‌السلام)** روایت شده: «إن شفاعتنا لا تنال مستخفاً بالصلاة؛ [۲۷] همانا **شفاعت** ما به سبک شمارنده نماز نمی‌رسد».

پی آمد سنگین بی نمازی

انسان با نماز نخواندن جهنمی و **اهل دوزخ** می‌شود، **قرآن** از گفتگوی میان بهشتیان و **دوزخیان** خبر می‌دهد که بهشتیان از علت جهنمی شدن اهل دوزخ سؤال می‌کنند. در جواب آنان، اولین سخنی که بر زبان می‌آورند بی نمازی و بی تفاوتی نسبت به نماز است: «ما سلککم فی سقر قالوا لم نک من المصلین؛ [۲۸] چه چیز شما را به **دوزخ** وارد ساخت؟! می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.» منظور از "**صلاة**" در اینجا، نماز معمول در **اسلام** نیست بلکه منظور عبادتی خاص است به درگاه خدای تعالی که با همه عبادتها یعنی **عبادت** در شریعتهای آسمانی که از حیث کم و کیف از همدیگر مختلفند می‌سازد. [۲۹]

معنای خشوع در نماز

"خشوع" به معنی حالت **تواضع** و **ادب** جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا می‌شود و آثارش در **بدن** ظاهر می‌گردد. قرآن کریم، خشوع را از صفات مؤمنین حقیقی بر شمرده است: «الذین هم فی صلاتهم خاشعون؛ [۳۰] آنها که در نمازشان خشوع دارند.» یعنی **اشاره** به اینکه نماز آنها الفاظ و حرکاتی بی روح و فاقد معنی نیست، بلکه به هنگام نماز آن چنان حالت توجه به **پروردگار** در آنها پیدا می‌شود که از غیر او جدا می‌گردند و به او می‌پیوندند. چنان عرف حالت **تفکر** و **حضور** و **راز** و **نیاز** با پروردگار می‌شوند که بر تمام ذرات وجودشان اثر می‌گذارد، خود را ذره‌ای می‌بینند در برابر وجودی بی پایان، و قطره‌ای در برابر اقیانوس بیکران. [۳۱]

محافظة بر نماز

«حافظوا علی الصلوات و الصلاة الوسطی و قوموا لله قانتین؛ [۳۲] در انجام همه نمازها (به خصوص) نماز وسطی کوشا باشید! و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا بپاییزید» و در آیه دیگری می‌فرماید: «و الذین هم علی صلاتهم یحافظون؛ [۳۳] و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند»، منظور، محافظت از عدد نماز است یعنی **مؤمنان** محافظت دارند که یکی از نمازهایشان فوت نشود و دائماً مراقب آند؛ بخاطر اینکه "**صلاة**" به صیغه جمع آمده و به ضمیر "هم" اضافه شده است.

در **سوره معارج** لفظ "صلاة" مفرد آمده است: «و الذین هم علی صلاتهم یحافظون؛ [۳۴] در این آیه منظور از محافظت بر نماز، رعایت صفات کمالی نماز است؛ یعنی آن طور نماز بخواند که **شرع** دستور داده است. [۳۵]

حکمت و فلسفه نماز

گرچه نماز چیزی نیست که فلسفه‌اش بر کسی مخفی باشد، ولی دقت در متون **آیات** و **روایات** اسلامی ما را به نکات بیشتری در این زمینه رهنمون می‌گردد:

← نماز ذکرالله اکبر

روح و اساس و هدف و پایه و مقدمه و نتیجه و بالاخره فلسفه نماز همان **یاد خدا** است، همان «ذکر الله» است که در آیهی فوق به عنوان برترین بیان شده است. البته ذکر که مقدمه‌ی فکر، و فکری که انگیزه **عمل** بوده باشد، چنانکه در حدیثی از **امام صادق (علیه‌السلام)** آمده است که در **تفسیر** جمله‌ی و لذكر الله اکبر فرمود: ذکر الله عند ما احل و حرم؛ [۳۶] یاد خدا کردن به هنگام انجام **حلال** و **حرام**» (یعنی به یاد خدا بیفتد به سراغ حلال برود و از حرام چشم ببوشد).

← پاک کننده‌ی گناهان

نماز وسیله‌ی شستشوی از **گناهان** و **مغفرت** و **امرزش** الهی است چرا که خواه ناخواه نماز انسان را دعوت به **توبه** و **اصلاح** گذشته می‌کند، لذا در حدیثی می‌خوانیم: **پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** از یاران خود سؤال کرد: «لو کان علی باب دار الحد کم نهر و اغتسل فی کل یوم منه خمس مرات اکان ینقی فی حسه من الدرن شیء؟ قلت لا، قال: فان مثل الصلاة کمثل النهر جاری کما صلی کفرت ما بینهما من الذنوب؛ اگر بر در **خانه** یکی از شما نهری از آب صاف و

پاکیزه باشد و در هر روز پنج بار خود را در آن شستشو دهد، آیا چیزی از آلودگی و کثافت در بدن او می‌ماند؟». در پاسخ عرض کردند: نه. فرمود: «نماز درست همانند این **آب جاری** است، هر **زمان** که انسان نمازی می‌خواند گناهی که در میان دو نماز انجام شده است از میان می‌رود» [۳۷] و به این ترتیب جراحاتی که بر **روح** و **جان** انسان از گناه می‌نشینند، با مرهم نماز التیام می‌یابد و زنگارهایی که بر **قلب** می‌نشینند زدوده می‌شود.

← سدی در برابر گناهان

نماز سدی در برابر گناهان آینده است، چرا که روح ایمان را در انسان تقویت می‌کند، و نهال **تقوا** را در دل پرورش می‌دهد، و می‌دانیم «ایمان» و «تقوی» نیرومندترین سد در برابر گناهان است و این همان چیزی است که در آیهی فوق به عنوان نهی از فحشاء و منکر بیان شده است و همان است که در **احادیث** متعددی می‌خوانیم: افراد گناهکاری بودند که شرح حال آنها را برای پیشوایان اسلام بیان کردند فرمودند: عم معورید، نماز آنها را اصلاح می‌کند و کرد.

← غفلت زدایی

نماز، غفلت زدا است، بزرگترین مصیبت برای رهروان راه حق آن است که هدف **آفرینش** خود را فراموش کنند و غرق در زندگی مادی و لذائذ زود گذر گردند، اما نماز به **حکم** این که در فواصل مختلف، و در هر **شبانه روز** پنج بار انجام می‌شود، مرتباً به **انسان** اخطار می‌کند، هشدار می‌دهد، **هدف آفرینش** او را خاطر نشان می‌سازد، موقعیت او را در **جهان** به او گوشزد می‌کند و این **نعمت** بزرگی است که انسان وسیله‌ای در اختیار داشته باشد که در هر شبانه روز چند مرتبه قویا به او بیدار باش گوید.

← کبر زدایی

نماز **خودبینی** و **کبر** را درهم می‌شکند، چرا که انسان در هر شبانه روز هفده رکعت و در هر **رکعت** دو بار **پیشانی** بر خاک در برابر خدا می‌گذارد، خود را ذره‌ی کوچکی در برابر عظمت او می‌بیند، بلکه صفری در برابر بی‌نهایت. پرده‌های **غرور** و خودخواهی را کنار می‌زند، **تکبر** و برتری جویی را در هم می‌کوبد. به همین دلیل **علی (علیه‌السلام)** در آن حدیث معروفی که فلسفه‌های عبادات اسلامی در آن منعکس شده است بعد از ایمان، نخستین **عبادت** را که نماز است با همین هدف تبیین می‌کند می‌فرماید: «فرض الله الایمان تطهیراً من الشرك و الصلوة تنزیهاً عن الکبر»؛ [۳۸] **خداوند** ایمان را برای پاکسازی انسانها از **شرک واجب** کرده است و نماز را برای پاکسازی از کبر».

← پرورش فضائل اخلاقی

نماز وسیله پرورش فضائل اخلاق و تکامل معنوی انسان است، چرا که انسان را از جهان محدود ماده و چهار دیوار **عالم طبیعت** بیرون می‌برد، به **ملکوت** آسمانها دعوت می‌کند، و با **فرشتگان** هم صدا و همراز می‌سازد، خود را بدون نیاز به هیچ واسطه در برابر خدا می‌بیند و با او به گفتگو بر می‌خیزد. تکرار این عمل در شبانه روز آن هم با تکیه روی **صفات خدا**، رحمانیت و رحیمیت و عظمت او مخصوصاً با کمک گرفتن از سوره‌های مختلف **قرآن** بعد از حمد که بهترین دعوت کننده به سوی نیکبها و پاکبها است اثر قابل ملاحظه‌ای در پرورش **فضائل اخلاقی** در وجود انسان دارد. لذا در حدیثی از **امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام)** می‌خوانیم که در **فلسفه** نماز فرمود: «الصلوة قربان کلی تقی»؛ [۳۹] نماز وسیله **ی تقرب** هر پرهیزکاری به خدا است.»

← با ارزش کننده اعمال انسان

نماز به سایر اعمال انسان ارزش و روح می‌دهد - چرا که نماز روح اخلاص را **زنده** می‌کند، زیرا نماز مجموعه‌ای است از **نیت** خالص و گفتار پاک و اعمال خالصانه، تکرار این مجموع در شبانه روز بذر سایر اعمال **نیک** را در جان انسان می‌پاشد و روح **اخلاص** را تقویت می‌کند. لذا در حدیثی معروفی می‌خوانیم که **امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام)** در وصایای خود بعد از آن که فرق مبارکش با **شمشیر ابن ملجم** جنایتکار شکافته شد فرمود: «الله الله فی الصلوة فانها عمود دینکم»؛ [۴۰] **خدا** را خدا درباره نماز، چرا که ستون **دین** شما است.» می‌دانیم هنگامی که عمود **خیمه** در هم بشکند یا سقوط کند هر قدر طنابها و میخهای اطراف محکم باشد اثری ندارد، همچنین هنگامی که ارتباط بندگان با خدا از طریق نماز از میان برود اعمال دیگر اثر خود را از دست خواهد داد. در حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) می‌خوانیم: «اول ما یحاسب به العبد الصلوة فان قیلت قبلا سائل عمله، و ان ردت رد علیه سائل عمله؛ نخستین چیزی که در **قیامت** از بندگان حساب می‌شود نماز است اگر مقبول افتاد سائر اعمالشان قبول می‌شود، و اگر مردود شد سائر اعمال نیز مردود می‌شود!» شاید دلیل این سخن آن باشد که نماز رمز ارتباط **خلق و خالق** است، اگر به طور صحیح انجام گردد **قصد قربت** و **اخلاص** که وسیله قبولی سائر اعمال است در او زنده می‌شود، و گرنه بقیه اعمال او مشوب و آلوده می‌گردد و از درجه اعتبار ساقط می‌شود.

← دعوت کننده به پاکسازی

نماز قطع نظر از محتوای خودش با توجه به شرایط **صحت** دعوت به پاکسازی **زندگی** می‌کند، چرا که می‌دانیم **مکان** نماز گزار، لباس نمازگزار، فرشی که بر آن نماز می‌خواند، آبی که با آن **وضو** می‌گیرد و **غسل** می‌کند، محلی که در آن غسل و وضو انجام می‌شود باید از هر گونه غصب و تجاوز به حقوق دیگران پاک باشد کسی که آلوده به تجاوز و **ظلم**، **ریا**، **غصب**، کم فروشی، **رشوه** خواری و کسی اموال **حرام** باشد چگونه می‌تواند مقدمات نماز را فراهم سازد؟ بنا بر این تکرار نماز در پنج نوبت در شبانه روز خود دعوتی است به رعایت حقوق دیگران.

← عامل مؤثر ترک گناهان

نماز علاوه بر شرایط **قبول** یا به تعبیر دیگر صحت شرایط کمال دارد که رعایت آنها نیز یک عامل مؤثر دیگر برای ترک سیاری از **گناهان** است. بوسیله نماز نیز که متضمن یادآوری از خدا و خشوع در برابر او تلاوت قرآن که بر وعده ثواب و عذاب و هدایت مشتمل است کمک بجوئید البته نماز که دارای این اوصاف است انسان را به حسنات می‌خواند و از سینات باز می‌دارد. در کتب فقهی و منابع **حدیث** مور زیادی به عنوان موانع قبول نماز ذکر شده است از جمله مسأله **شراب خمر** است که در روایات آمده است: «لا تقبل صلوة شارب الخمر اربعین یوماً الا ان یتوب»؛ [۴۱] نماز **شرابخوار** تا چهل روز مقبول نخواهد شد مگر این که **توبه** کند.»

و در روایات متعددی می‌خوانیم: از جمله کسانی که نماز آنها قبول نخواهد شد پیشوای **ستمگر** است و در بعضی از روایات دیگر تصریح شده است که نماز کسی که **زکات** نمی‌پردازد قبول نخواهد شد [۴۲]، و همچنین روایات دیگری که می‌گوید: خوردن غذای **حرام** یا **عجب** و خودبینی از موانع قبول نماز است، پیدا است که فراهم کردن این شرایط قبولی تا چه حد سازنده است؟

← تقویت کننده روح انضباط

نماز روح **انضباط** را در انسان تقویت می‌کند، چرا که دقیقاً باید در اوقات معینی انجام گیرد که تأخیر و تقدیم آن هر دو موجب **بطلان** نماز است، همچنین **آداب** و

احکام دیگر در مورد نیت و قیام و قعود و رکوع و سجود و مانند آن که رعایت آنها، پذیرش انضباط را در برنامه های زندگی کاملاً آسان می‌سازد. همه اینها فوایدی است که در نماز، قطع نظر از مسأله جماعت وجود دارد و اگر ویژگی جماعت را بر آن بیفزائیم - که روح نماز همان جماعت است - برکات بی شمار دیگری دارد که این جا جای شرح آن نیست، بعلاوه کم و بیش همه از آن آگاهیم. گفتار خود را در زمینه فلسفه و اسرار نماز با حدیث جامعی که از امام علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) نقل شده پایان می‌دهیم:

امام در پاسخ نامه ای که از فلسفه نماز در آن سؤال شده بود چنین فرمود: علت تشریح نماز این است که توجه و اقرار به ربوبیت پروردگار است، و مبارزه با شرک و بت پرستی، و قیام در پیشگاه پروردگار در نهایت خضوع و نهایت تواضع، و اعتراف به گناهان و تقاضای بخشش از معاصی گذشته، و نهادن پیشانی بر زمین همه روز برای تعظیم پروردگار. و نیز هدف این است که انسان همواره هشیار و متذکر باشد، گرد و غبار فراموشکاری بر دل او ننشیند، مست و مغرور نشود، خاشع و خاضع باشد، طالب و علاقمند افزونی در مواهب دین و دنیا گردد. علاوه بر این که مداومت ذکر خداوند در شب و روز که در پرتو نماز حاصل می‌گردد، سبب می‌شود که انسان مولا و مدبر و خالق خود را فراموش نکند، روح سرکششی و طغیانگری بر او غلبه ننماید. و همین توجه به خداوند و قیام در برابر او، انسان را از معاصی باز می‌دارد. و از انواع فساد جلوگیری می‌کند. [۴۳]

← بازداري از حرص و کم طاقتی

خداوند متعال می‌فرماید: انسان حریص و کم طاقت آفریده شده و هنگامی که بدی به او رسد بی تابی می‌کند و هنگامی که خوبی به او رسد مانع از دیگران می‌شود، مگر نماز گزاران، آنان که نمازها را پیوسته انجام می‌دهند. [۴۴]

انسان دارای غرائز منفی و مثبتی است که اگر غرائز منفی او بر اثر تعلیمات الهی کنترل نگردد، به گمراهی کشیده خواهد شد و یکی از آن غرائز منفی خصلت زشت حرص و آز و خصلت زشت بی تابی در برابر حوادث تلخ است بنابراین برای تعدیل این دو خصلت و جلوگیری از طغیان آن نیاز به تربیت الهی دارد و خداوند قادر و متعال ارتباط برقرار می‌کند، در پرتو این ارتباط، به وثوق و اطمینانی نسبت به آن یگانه بی همتا می‌رسد و نسبت به رزق فقط خدا را می‌بیند و مال و دارایی خود را از او می‌داند و با روحیه توکل و تسلیم، از آز و حرص دور می‌شود و در مقابل آن چه از خدا به او می‌رسد، خود را بنده خدا می‌داند و بی طاقتی نخواهد کرد.

← استقامت و بردباری

یکی از رازها و فوائد نماز این است که موجب استواری و استقامت نمازگزار در برابر سختی‌ها و ناگواری‌ها می‌گردد. ممکن است برای بعضی این موضوع تعجب‌آور باشد در حالی که چنین نیست زیرا به هنگام حوادث سخت و مشکلات طاقت فرسا که انسان نیروی خود را برای مقابله با آنها ناچیز می‌بیند نیازمند به تکیه‌گاهی است که از هر جهت نامحدود و بی‌انتهاست نماز او را با چنین میدتی مربوط می‌کند و با اتکاء بر او می‌تواند یا روحی مطمئن و آرام امواج سهمگین مشکلات را در هم بشکند. صبر از عالی‌ترین صفات و ملکات انسانی است. قرآن کراراً آن را ستایش کرده و تقریباً در هفتاد مورد به صبر ترغیب نموده است. [۴۵] و در هر مورد از قرآن که خداوند وصایا و سفارش‌هایی می‌کند نماز اولین و مهمترین آنهاست. خدا همراه صابران است. [۴۶]

نماز انسان را با پناه‌گاهی مطمئن و یاری مهربان آشنا می‌کند که در مقابله با سختی‌ها و مشکلات زندگی به او اتکاء می‌کند و در برابر آنها دلیل و خوار نمی‌گردد، بر همین اساس، خداوند متعال دو مورد در قرآن می‌فرماید: از خصلت صبر و نماز کمک بجوید، [۴۷] [۴۸] و این امر در روان شناسی هم به اثبات رسیده است که با آرامش و اطمینان روحی که از گذر ایمان و اعتقاد حاصل می‌شود، انسان می‌تواند امواج سهمگین مشکلات را در هم بشکند.

← نظم و انضباط

انجام نماز در اوقات معین و مخصوص، آداب نماز در مورد نیت و قیام و رکوع و سجود و جای گرفتن هر موضوعی در محل خودش، علاوه بر آثار مفید که در روح انسان می‌گذارد موجب نظم و انضباط در زندگی خواهد شد و همان طور که در زندگی بزرگان ما این امر به وضوح مشهود بود و با توجه به این که یکی از عوامل پیشرفت و بسیار مهم در تکامل، نظم و انضباط است و مسائل تربیتی در پرتو نظم و انضباط است که به نتیجه می‌رسد، جایگاه نماز در تکامل انسان بهتر معلوم می‌شود.

پانویس

- ↑ راجع اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۸۵.
- ↑ توبه/ سوره ۹، آیه ۱۰۳.
- ↑ احزاب/ سوره ۳۲، آیه ۵۶.
- ↑ بقره/ سوره ۲، آیه ۱۵۷.
- ↑ راجع اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۸۵.
- ↑ ابراهیم/ سوره ۱۴، آیه ۴۰.
- ↑ مریم/ سوره ۱۹، آیه ۳۱.
- ↑ طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۴۷.
- ↑ طه/ سوره ۲۰، آیه ۱۴.
- ↑ جوادئ املی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۷، ص ۱۲۰.
- ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۲.
- ↑ عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۴۵.
- ↑ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۸.
- ↑ نساء/ سوره ۴، آیه ۱۰۳.
- ↑ طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۶۳.
- ↑ توبه/ سوره ۹، آیه ۷۱.
- ↑ ابراهیم/ سوره ۱۴، آیه ۳۱.
- ↑ لقمان/ سوره ۳۱، آیه ۳.
- ↑ انفال/ سوره ۸، آیه ۳.
- ↑ انعام/ سوره ۶، آیه ۹۲.
- ↑ نساء/ سوره ۴، آیه ۱۰۳.
- ↑ حج/ سوره ۲۲، آیه ۴۱.
- ↑ عنکبوت/ سوره ۲۹، آیه ۴۵.
- ↑ طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۱۹۸.
- ↑ ماعون/سوره ۱۰۷، آیه ۴-۵.
- ↑ طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۲۶۸.
- ↑ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۶.
- ↑ مدثر/ سوره ۷۴، آیه ۴۲-۴۳.
- ↑ طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۹۷.
- ↑ مومنون/ سوره ۲۳، آیه ۲.
- ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۹۴.

- ↑ ۲۲. بقره/ سوره ۲، آیه ۲۳۸. 📖
- ↑ ۲۳. مومنون/ سوره ۲۳، آیه ۹. 📖
- ↑ ۲۴. معارج/سوره ۷۰، آیه ۲۴. 📖
- ↑ ۲۵. طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۱۷. 📖
- ↑ ۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۰. 📖
- ↑ ۲۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۷. 📖
- ↑ ۲۸. امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲. 📖
- ↑ ۲۹. امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۱۳۶. 📖
- ↑ ۴۰. امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، نامه ۴۷. 📖
- ↑ ۴۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۱۷-۲۲۰. 📖
- ↑ ۴۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۳۱۸. 📖
- ↑ ۴۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴. 📖
- ↑ ۴۴. معارج/ سوره ۷۰، آیات ۱۹-۲۴. 📖
- ↑ ۴۵. مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۱۸. 📖
- ↑ ۴۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۳۹۲. 📖
- ↑ ۴۷. بقره/ سوره ۲، آیه ۴۵. 📖
- ↑ ۴۸. بقره/ سوره ۲، آیه ۱۵۲. 📖

منابع

- سایت بزوهه 📖
- اندیشه قم 📖
- سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «نماز»، تاریخ بازیابی ۹۵/۱۰/۲۴. 📖

رده‌های این صفحه : [اخلاق اسلامی](#) | [عبادات](#) | [فروع دین](#) | [فقه](#) | [نماز](#) | [واجبات تعبدی](#)